



۲۰۱۹/۰۱/۲۹

دوکتور نوراحمد خالدی

آیا مجموعه تفکر سیاسی بنام تاجکیزم وجود دارد؟

بسیاری نویسندگان سیاسی تاجیک از اصطلاحات پشتونیزم و پشتونیزه بیدریغ استفاده میکنند. در این رابطه یک تیورین ضد پشتون تاجیک بنام عبدالحی خراسانی امروز در فیسبوک نوشت: **".. رهبری افغانیسم، هم حامدکرزی و هم محمد اشرف غنی در این سالها شبکه های ارتباطی با طالبان ایجاد کرده اند و حتی حکمتیار با بدنه طالبان در ارتباط منظم به سر می برد. در این میان ما تاجیک ها... طالبان تاجیک را فراموش کردیم و در ایجاد هیچگونه رابطه سیاسی با آنها نبوده ایم حالا زمان آن رسیده است که این ارتباط و شبکه هر چه زود تر ایجاد گردد و از آنان حمایت صورت گیرد... اکنون اولویت صلح مهمتر از انتخابات ریاست جمهوری است، ضرورت استراتژی یک ما اتحاد تمام نیروهای جهاد و مقاومت در بعد سیاسی و نظامی می باشد... بهتر است یک اطاق فکر سیاسی، نظامی و راهبردی تشکیل شود. لندکروز سواران ارجمند ما باید بدانند که اگر بخود نیایند، فردا زود است که قطار لندکروزر های شان توسط خرسواران طالب به گورستان تاریخ هدایت گردد."**

فرید بهمن در پاسخ نوشت **"از دایره خبیثه جهاد و امارت و طالب و افغانیزه و تاجکیزم رها "نمیشوند". خلیل دهقانزاده منکر موجودیت عنصر "تاجکیزم" شده نوشت "تاجکیزم واژه تازه استفاده شده است که بار اول توسط خودتان استفاده شده ولی اصلا چنین رفتاری وجود ندارد". فرید بهمن پاسخ داد "وجود دارد و شما نمیخواهید ببینید!" دهقانزاده بجواب نوشت "اگر باشد حتما میخوام ببینم!"**

سؤال این است که آیا رفتاری یا دکترینی موجود است که **"تاجکیزم"** نامیده شود؟ هرگاه چنین رفتاری یا طرز دیدی موجود باشد اصول، موازین و اهداف آن کدامها اند؟

عناصر شناخته شده تاجکیزم:

عناصر اول: زمانی احمدشاه مسعود گفته بود **"تاجیکها اصیل ترین مردم این سرزمین میباشند!"** (به نقل از ویدیوی سخنرانی احمدشاه مسعود به شاگردانش). این برداشت را میتوان اولین عنصر تفکر **"تاجکیزم"** حساب نمود.

عناصر دوم: بی فرهنگ خواندن قوم پشتون (به نقل از ویدیوی سخنرانی احمدشاه مسعود به شاگردانش)، حقیر شمردن پیهم زبان، ادب و ادبای زبان پشتو توسط ادیبان تاجیک؛

عناصر سوم: مخالفت با افغانستان، ملیت افغان و اساسات تاریخ افغانستان از دیدگاه ناسیونالیسم ایرانی؛

عناصر چهارم: منحصر شمردن زبان و ادب دری/ فارسی به قوم تاجیک و کمک در هجوم فرهنگی ایران برای زدودن هویت مستقل ملی زبان دری در افغانستان و جایگزینی آن با فارسی مروج در ایران؛

عنصر پنجم: انحصار قدرت سیاسی و در غیر آن حضور در قدرت دولتی و حفظ آن که برای دستیابی، کسب و حفاظت از سرمایه های غیر مشروع به هر قیمت؛

عنصر ششم: زر اندوزی بیباکانه با استفاده از فساد و قدرت و امکانات دولتی.

عنصر هفتم: نا امیدی از راههای دموکراتیک انحصار قدرت؛ قبول نقش دومی در میان رهبران جهادی تاجیک، و تبارز این نا امیدی در نزد روشنفکران تاجک در شعار غیر عملی خراسان طلبی؛

عنصر هشتم: سیاست بحران سازی پیهم و مدیریت بحران با استفاده از زورگویی، بالاتر از قانون شمردن خودی، تهدید حمله بر ارگ، اوباشی گری تنظیمی، هجومهای مسلح اوباشانه در شهر و بحران سازی پیهم!

عنصر نهم: مساوی قرارداد و یکی شمردن روشنفکران پشتون با طالبان؛

عنصر دهم: چسبیدن به شعارهای "جهاد و مقاومت" برای توجیه استمرار رهبری شورای نظار و جمعیت و جلوگیری از تکامل مستقلانه جناح روشنفکر ملی اندیش از میان قوم تاجیک؛

عنصر یازدهم: استفاده از کارتهای "جهاد" و قومگرایی بخصوص اینکه در شرایط امروزی جهان و افغانستان شعارهای "جهاد" آنقدر موثر نیست بنابراین استفاده گسترده از کارت قومگرایی برای بقای جمعیت و شورای نظار.

گسترده‌گی تبارز عناصر فوق در نوشته ها، اعمال و تفکر بسیاری نویسندگان، سیاستمداران و فعالین اجتماعی تاجیک مانع بزرگی در راه ایجاد و تقویت وحدت ملی مردم افغانستان در مقابله با تروریسم و بی امنیتی میباشد.

در حالیکه تروریسم طالبان بیشترین صدمه ها را در قدم اول به قوم پشتون وارد کرده و مانع انکشاف اقتصادی و اجتماعی مناطق پشتون نشین گردیده، روشنفکران پشتونرا مانع راه خود میدانند؛ انکار و نادیده گرفتن قصدی این حقیقت توسط نویسندگان و سیاستمداران تاجیک هیچ کمکی در هدف شکست و غلبه بر طاعون طالبانی و حتی در مذاکرات آینده صلح نمیکند.

پشتونیزم به مفهوم تفوق طلبی قومی و تاجکیزم دو طرف یک سکه اند و از موجودیت یکدیگر تغذیه میکنند. یگانه راه در مقابل مردم افغانستان ملی اندیشی است بر مبنای قانون اساسی کشور.

(پایان)